

گام‌ها

دوستان سلام؛ برای اینکه بتوانید یک عبارت عربی یا فارسی رو ترجمه کنید باید به موارد زیر توجه کنید؛ اول گام‌ها رو خوب یاد بگیر تا آفرش بگم چه بوری تست بزنی.

گام اول : فعل

- اقسام فعل
- ۱ ماضی (گذشته)
 - ۲ مضارع (حال)
 - ۳ مستقبل (آینده)

۱- فعل ماضی: فعلی است که دلالت بر انجام کار یا وقوع حالتی در زمان گذشته دارد:

ماضی	مفرد	مثنی	جمع
غایب	مذکر ذَهَبَ: رفت (آن مرد)	ذَهَبَا: رفتند (آن دو مرد)	ذَهَبُوا: رفتند (آن مردان)
	مؤنث ذَهَبَتْ: رفت (آن زن)	ذَهَبَتَا: رفتند (آن دو زن)	ذَهَبْنَ: رفتند (آن زنان)
مخاطب (حاضر)	مذکر ذَهَبْتَ: رفتی (تو مرد)	ذَهَبْتُمَا: رفتید (شما دو مرد)	ذَهَبْتُمْ: رفتید (شما مردان)
	مؤنث ذَهَبْتِ: رفتی (تو زن)	ذَهَبْتُمَا: رفتید (شما دو زن)	ذَهَبْتُنَّ: رفتید (شما زنان)
متکلم	وحده ذَهَبْتُ: (من) رفتم		مع الغیر ذَهَبْنَا: (ما) رفتیم

حالا بریم سراغ اقسام فعل‌های ماضی:

اقسام فعل ماضی { (۱) ساده (۲) منفی (۳) نقلی (۴) بعید (۵) استمراری }



۱) **ماضی ساده:** به ۱۴ صیغه‌ی عادی و معمولی ماضی، ماضی ساده گویند:

دَهَبَ: رفت ، کَتَبَ: نوشت ، قَتَلَ: کشت

۲) **ماضی منفی:** (طریقه‌ی ساخت): مای (نفی - نافییه) + فعل ماضی ساده

ترجمه: ن + ترجمه ماضی ساده ← **ما دَهَبَ:** نرفت، **ما کَتَبَ:** ننوشت ، **ما قَتَلَ:** نکشت
برای این که ماضی منفی رو فوب یاد بگیریم، به صرف و معنی ۱۴ صیغه‌اش دقت کن:

صرف فعل ماضی منفی:

ماضی منفی	مفرد	مثنی	جمع
غایب	مذکر ما دَهَبَ: نرفت (آن مرد)	ما دَهَبَا: نرفتند (آن دو مرد)	ما دَهَبُوا: نرفتند (آن مردان)
	مؤنث ما دَهَبَتْ: نرفت (آن زن)	ما دَهَبْتَا: نرفتند (آن دو زن)	ما دَهَبْنَ: نرفتند (آن زنان)
مخاطب (حاضر)	مذکر ما دَهَبْتَ: نرفتی (تو مرد)	ما دَهَبْتُمَا: نرفتید (شما دو مرد)	ما دَهَبْتُمْ: نرفتید (شما مردان)
	مؤنث ما دَهَبْتِ: نرفتی (تو زن)	ما دَهَبْتُمَا: نرفتید (شما دو زن)	ما دَهَبْتُنَّ: نرفتید (شما زنان)
متکلم	وحده		مع الغیر
	ما دَهَبْتُ: (من) نرفتم		ما دَهَبْنَا: (ما) نرفتیم

۳) **ماضی نقلی:** (طریقه‌ی ساخت): قَدْ + فعل ماضی ساده

ترجمه: ترجمه‌ی ماضی ساده + ه + صرف شناسه‌ی فعل
صفت مفعولی

(ام ایم)
(ای اید)
(است اند)

قَدْ دَهَبَ: رفته است. قَدْ کَتَبَ: نوشته است. قَدْ قَتَلَ: کشته است.

هالا نوبت صرف ۱۳ صیغهی ماضی نقلیه، فوب به ترجمه‌هاش دقت کن!

ماضی نقلی		مفرد		مثنی	جمع
غایب	مذکر	قَدْ دَهَبَ: رفته است (آن مرد)	قَدْ دَهَبَا: رفته‌اند (آن دو مرد)	قَدْ دَهَبُوا: رفته‌اند (آن مردان)	
	مؤنث	قَدْ دَهَبَتْ: رفته است (آن زن)	قَدْ دَهَبَتَا: رفته‌اند (آن دو زن)	قَدْ دَهَبْنَ: رفته‌اند (آن زنان)	
مخاطب (حاضر)	مذکر	قَدْ دَهَبْتَ: رفته‌ای (تو مرد)	قَدْ دَهَبْتُمَا: رفته‌اید (شما دو مرد)	قَدْ دَهَبْتُمْ: رفته‌اید (شما مردان)	
	مؤنث	قَدْ دَهَبْتِ: رفته‌ای (تو زن)	قَدْ دَهَبْتُمَا: رفته‌اید (شما دو زن)	قَدْ دَهَبْتُنَّ: رفته‌اید (شما زنان)	
متکلم		وحده		مع‌الغیر	
		قَدْ دَهَبْتُ: (من) رفته‌ام		قَدْ دَهَبْنَا: (ما) رفته‌ایم	

قبل از این که ماضی بعید و استمراری را توضیح بدم، باید به صرف فعل «کان» فوب مسلط باشی.

صرف فعل «کان»

ماضی		مفرد		مثنی	جمع
غایب	مذکر	کان: بود (آن مرد)	کانا: بودند (آن دو مرد)	کانوا: بودند (آن مردان)	
	مؤنث	کانت: بود (آن زن)	کانتا: بودند (آن دو زن)	کنتن: بودند (آن زنان)	
مخاطب (حاضر)	مذکر	كنت: بودی (تو مرد)	كنتما: بودید (شما دو مرد)	كنتم: بودید (شما مردان)	
	مؤنث	كنتِ: بودی (تو زن)	كنتما: بودید (شما دو زن)	كنتن: بودید (شما زنان)	
متکلم		وحده		مع‌الغیر	
		كنت: (من) بودم		کنا: (ما) بودیم	

هالا که صرف فعل «کان» را یاد گرفتی بریم سراغ ماضی بعید و استمراری:

۴ ماضی بعید (طریقه‌ی ساخت): صرف فعل «کان» + قَدْ + فعل ماضی هم صیغه‌ی با «کان»
 کانَ قَدْ ذَهَبَ، کانا قَدْ ذَهَبَا، کَانُوا قَدْ ذَهَبُوا

فوب دقت کن؛ فعل «کان» از هر صیغه‌ای باشه، باید از همون صیغه فعل ماضی رو بیاری

ترجمه‌ی ماضی بعید: ترجمه‌ی ماضی ساده + ه + صرف فعل صفت مفعولی

(بودم بودیم) بودی بودید
 (بود بودند)

هالا به صرف ۱۴ صیغه‌ی ماضی بعید دقت کن تا فوب فوب یاد بگیریش!

ماضی بعید	مفرد	مثنی	جمع
غایب	مذکر کانَ قَدْ ذَهَبَ: رفته بود	کانَا قَدْ ذَهَبَا: رفته بودند	کَانُوا قَدْ ذَهَبُوا: رفته بودند
	مؤنث کانتَ قَدْ ذَهَبْتَ: رفته بود	کانتَا قَدْ ذَهَبْتَا: رفته بودند	کنتنَّ قَدْ ذَهَبْنَ: رفته بودند
مخاطب (حاضر)	مذکر کنتَ قَدْ ذَهَبْتَ: رفته بودی	کنتما قَدْ ذَهَبْتما: رفته بودید	کنتم قَدْ ذَهَبْتم: رفته بودید
	مؤنث کنتِ قَدْ ذَهَبْتِ: رفته بودی	کنتما قَدْ ذَهَبْتما: رفته بودید	کنتنَّ قَدْ ذَهَبْتنَّ: رفته بودید
متکلم	وحده		مع الغیر
	کنتَ قَدْ ذَهَبْتَ: رفته بودم		کنتَا قَدْ ذَهَبْنَا: رفته بودیم



توی ماضی بعید فخرقی ندراره که «قَدْر» بیار یا نیار، در هر دو حالت ماضی بعیده و هر دو صورتش درسته، توی معنی هم هیچ تغییری ایبار نمی‌شه!

کانَ قَدَّ زَهَبَ (رفته بود) ← هَزَفَ (قَدَّ) ← کانَ زَهَبَ (رفته بود)

۵) ماضی استمراری (طریقه‌ی ساخت): صرف فعل «کان» + فعل مضارع هم صیغه با «کان»:

کانَ يَذْهَبُ، کانا يَذْهَبَانِ.....

فعل «کان» هتماً باید با فعل مضارع بعرض از لفاظ صیغه مطابقت داشته باشه!

ترجمه‌ی ماضی استمراری: می + ترجمه‌ی ماضی ساده

کانَ يَذْهَبُ ← می‌رفت کانَ يَقْتُلُ ← می‌کشت

نگران نباش! فعل مضارع رو توصیفه‌ی بعد کامل یار می‌گیری!

هالا با هم ماضی استمراری رو صرف می‌کنیم که کاملاً یار بگیریمش

ماضی استمراری	مفرد	مثنی	جمع
غایب	مذکر کانَ يَذْهَبُ: می‌رفت	کانا يَذْهَبَانِ: می‌رفتند	کانُوا يَذْهَبُونَ: می‌رفتند
	مؤنث کانتَ تَذْهَبُ: می‌رفت	کانتا تَذْهَبَانِ: می‌رفتند	کنَّ يَذْهَبْنَ: می‌رفتند
مخاطب (حاضر)	مذکر کنتَ تَذْهَبُ: می‌رفتی	کنتما تَذْهَبَانِ: می‌رفتید	کنتم تَذْهَبُونَ: می‌رفتید
	مؤنث کنتِ تَذْهَبِينَ: می‌رفتی	کنتما تَذْهَبَانِ: می‌رفتید	کنتن تَذْهَبْنَ: می‌رفتید
متکلم	وحده		مع الغیر
	کنتُ أَذْهَبُ: می‌رفتم		کنا نَذْهَبُ: می‌رفتیم

نکته

گاهی اوقات چه در ماضی بعید و چه در ماضی استمراری بین «کان» و فعل بعدهش، یک یا چند اسم قرار می‌گیرد، که در این صورت فعل «کان» فقط از لحاظ جنس با اسم بعد از خود مطابقت دارد، ولی از لحاظ تعداد مفرد غایب می‌آید، اما فعل بعد از «کان» هم از لحاظ جنس و هم از لحاظ تعداد با اسم قبل از خود مطابقت می‌کند.

کانَ التَّلَامِيذُ قَدْ ذَهَبُوا: دانش‌آموزان رفته بودند.

مفرد مذکر غایب جمع مذکر جمع مذکر غایب

توضیح

در مثال فوق بین «کان» و فعل بعدهش، اسمی «التلامیذ» قرار گرفته است که در این حالت فعل «کان» مفرد مذکر غایب آمده و فقط از لحاظ جنس با «التلامیذ» مطابقت دارد ولی از لحاظ تعداد مفرد غایب است، اما فعل «قَدْ ذَهَبُوا» هم از لحاظ جنس و هم از لحاظ تعداد با «التلامیذ» مطابقت دارد و به صورت جمع مذکر غایب آمده است.

كَانَتِ التَّلَامِيذُ يَذْهَبْنَ: دانش‌آموزان می‌رفتند.
مفرد مؤنث غایب جمع مذکر جمع مذکر غایب

توضیح

فعل «كَانَتِ» فقط از لحاظ جنس با «التلمیذات» مطابقت دارد و مفرد مؤنث غایب آمده، ولی فعل «يَذْهَبْنَ» هم از لحاظ جنس و هم از لحاظ تعداد با «التلمیذات» مطابقت دارد و به صورت جمع مؤنث غایب آمده است.

بعد از این که فعل‌های ماضی رو توضیح داریم نوبت به فعل‌های مضارع می‌رسد!
۲- فعل مضارع: فعلی است که دلالت بر انجام کار یا وقوع حالتی در زمان حال دارد.

مضارع	مفرد	مثنی	جمع
غایب	مذکر يَذْهَبُ: می‌رود	يَذْهَبَانِ: می‌روند	يَذْهَبُونَ: می‌روند
	مؤنث تَذْهَبُ: می‌رود	تَذْهَبَانِ: می‌روند	يَذْهَبْنَ: می‌روند
مخاطب	مذکر تَذْهَبُ: می‌روی	تَذْهَبَانِ: می‌روید	تَذْهَبُونَ: می‌روید
(حاضر)	مؤنث تَذْهَبِينَ: می‌روی	تَذْهَبَانِ: می‌روید	تَذْهَبْنَ: می‌روید
متکلم	وحده		مع الغیر
	أَذْهَبُ: می‌روم		نَذْهَبُ: می‌رویم

بعد از صرف ۱۴ صیغهی فعل مضارع می‌رویم سراغ اقسام آن.

اقسام فعل مضارع

{ ۱} ساده (اخباری) ۲) منفی ۳) نهی ۴) امر ۵) منصوب ۶) جحد (انکار) }
 حالا به ترتیب انواع فعل مضارع رو توضیح می‌دیم:

۱) مضارع ساده (اخباری): به ۱۴ صیغهی عادی و معمولی مضارع گویند:

يَذْهَبُ: می‌رود، يَقْتُلُ: می‌کشد، يَنْظُرُ: نگاه می‌کند

۲) مضارع منفی: (طریقه‌ی ساخت): لا (نفی - نافی) + فعل مضارع ساده بدون هیچ‌گونه تغییر ترجمه: ن + ترجمه‌ی مضارع ساده ← لا يَذْهَبُ: نمی‌رود، لا يَكْتُبُ: نمی‌نویسد، لا يَقْتُلُ: نمی‌کشد

به صرف فعل مضارع منفی دقت کن:

مضارع منفی	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	لا يَذْهَبُ: نمی‌رود	لا يَذْهَبَانِ: نمی‌روند	لا يَذْهَبُونَ: نمی‌روند
مؤنث	لا تَذْهَبُ: نمی‌رود	لا تَذْهَبَانِ: نمی‌روند	لا يَذْهَبْنَ: نمی‌روند
مذکر	لا تَذْهَبُ: نمی‌روی	لا تَذْهَبَانِ: نمی‌روید	لا تَذْهَبُونَ: نمی‌روید
مؤنث	لا تَذْهَبِينَ: نمی‌روی	لا تَذْهَبَانِ: نمی‌روید	لا تَذْهَبْنَ: نمی‌روید
تکلیف	وحده		مع الغیر
	لا أَذْهَبُ: نمی‌روم		لا تَذْهَبُ: نمی‌رویم

۳) فعل نهی: (طریقه‌ی ساخت): لای (نهی - ناهیه) + فعل مضارع مجزوم

ابتدا حرف «لا» را بر سر فعل مضارع قرار می‌دهیم و بعد فعل مضارع را مجزوم می‌کنیم.

حالا به طریقه‌ی مجزوم کردن فعل مضارع دقت کن!

- ۱) اگر فعل مضارع آخرش حرف «ن» نداشت ← علامت ضمّه‌ی آخر فعل،
تبدیل به ساکن (اَ) می‌شود: یَذْهَبُ نَهی ← لَا یَذْهَبُ
- ۲) اگر فعل مضارع آخرش حرف «ن» داشت ← نون آخرِ فعل حذف می‌شود،
به جز نون صیغه‌های ۶ و ۱۲ (جمع مؤنث): یَذْهَبُونَ نَهی ← لَا یَذْهَبُوا
- طریقه‌ی مجزوم کردن فعل مضارع

فالا صرف ۱۴ صیغه‌ی فعل نَهی با تریمه‌اش را فوب به قاطر بسپار:

جمع		مثنی		مفرد			نهی
نروند	لَا یَذْهَبُوا	نروند	لَا یَذْهَبَا	نرود	لَا یَذْهَبُ	مذکر	غایب
نباید بروند		نباید بروند		نباید برود			
نروند	لَا یَذْهَبَنِ	نروند	لَا تَذْهَبَا	نرود	لَا تَذْهَبُ	مؤنث	
نباید بروند		نباید بروند		نباید برود			
نروید	لَا تَذْهَبُوا	نروید	لَا تَذْهَبَا	نرو	لَا تَذْهَبُ	مذکر	مخاطب
نروید	لَا تَذْهَبَنِ	نروید	لَا تَذْهَبَا	نرو	لَا تَذْهَبِی	مؤنث	(حاضر)
مع‌الغیر				وحده			متکلم
نرویم		لَا تَذْهَبُ		نروم	لَا أَذْهَبُ		
نباید برویم				نباید بروم			

۴) فعل امر: بر ۲ قسم است:

الف) امر باللام (غایب): از ۶ صیغه‌ی غایب و ۲ صیغه‌ی متکلم مضارع ساخته می‌شود.

ب) امر حاضر (مخاطب): از ۶ صیغه‌ی مخاطب مضارع ساخته می‌شود.

فالا به ترتیب هر دو قسم امر را توضیح می‌دیم.

الف) امر باللام [امر غایب]

(طریقه‌ی ساخت): لِ + فعل مضارع مجزوم

ابتدا حرف (لِ) را بر سر فعل مضارع قرار می‌دهیم و بعد فعل مضارع را مجزوم می‌کنیم.